

پیامبر رهبر اخلاق بود

پیروی از برنام‌های اخلاقی پیامبر که دئوس آن در این مقاله
بهر زبانی جمع آوری شده ، میتواند بسیاری از مشکلات زندگی
امروزه را حل کند .

آیا میتوان روحیات و صفات عالی و برجسته‌یک سره ملکتونی را که زیر نظر فرشتگان
آسمانی پرورش و تکامل یافته است ، در قالب الفاظ ریخت ۱۲ یا در صفحات کوتاهی
کنیم ؟

آیا میتوان به سائل محابای عالی شخصی که سر امر وجود زندگی او کانون اخلاق
و سر چشمه حایم فضائل بشری بوده است ، دست یافت ۱۲ و برای آن حد و مرزی تعیین
نمود ؟

جایی که آفریدگار جهان او را ساحل خوبی بزرگه و «اخلاق عظیم» میخواند و در
بارها و میفرماید : انک لعلی خلق عظیم (۱) در این صورت چگونه میتوان اطلاعات ناقص ما
نمیتواند سیماى حقیقی خلق عظیم و روحیات پاک او را با جلوه ها و درخشندگی واقعی خود ،
ترسیم کند .

هرگز مرغ فکر و اندیشه بشری مایه قله فضائل مری بزرگی ، که یکی از موزمه و وقیت
او در پیکار با شرک و بت پرستی و جعل وادانی مردم سرچاهلایت ، فضائل بی شمار اخلاقی او
بوده ، نمیتواند برسد ، هرچه هم اوج بگیرد و هر وصال بیشتری بر ندولی بسنداق شعر معروف
آب دریا را اگر نتوان کشید جامع علوم الهی بشود نشکلی باید چشمه

اگرما نتوانیم ، صفات باور و برجسته او را در این صفحات کوتاه منعکس سازیم ،
ولی ، میتوانیم گوشه‌ای از زندگی و اخلاق ملکتونی رهبر و قائده عظیم الشان جهانی خود را
در اینجا منعکس سازیم

گروهی در باره مشخصات ظاهری و چگونگی قیامه و اندام او قلم فرسالی کرده اند ،
ولی آنچه برای ما امروز مطرح است ، روحیات و مشخصات معنوی و صفات عالی و بارز انسانی
اوست یا شد .

(بقیه از صفحه ۹۱) اینک فراغاتی چند از سجایای عالی و مبرز زندگی و معاشرت پیامبر (ص) :
۱- « من دیدن این حاله دالی امام محبتی (ع) پیامبر را چنین توصیف میکرد :

او پویسته فکر مینمود ، و هرگز آرام نمیکرفت ، در موقع تفکر هاله‌ای اذانشده میبای
اودا فرامیکرفت ، تا صورت او بجنب نمیکرد ، سخن نمیکفت ، هر موقع لب به سخن میکشود
جمله‌های پر معنی و کوفته‌های میفرمود ، هرگز مطالب خود را با جمله‌های طولانی و متسل
اذا نمیکرد ، است خدایا هر چه هم کم بود ، کوچک نمیشد ، از هیچ غذائی مشت نمیکرد ،
و در عین حال زیاد شریف هم نمینمود ، هر موقع حتی با اطفال میشد ، قیافه او دیگرگون
میکردید ، و آثار چشم در سیاهی اوشانان میگفت ، و قاضی دادنده نمیکرد ، آثار عجب از
چهره او را دل نمیشد .

هنگام اشاره با تمام دست‌انداشده میکرد ، وقتی تعجب به وی رخ میداد ، دستهای خود را ،
زیر در می‌نمود ، موقع سخن گفتن ، باطن دست راست خود را ، بر باطن انگشتان تمام خود
میزد ، هر موقع خشم بر او رخ میداد ، دهن‌گان خود را می‌بست ، و چهره خود را میگرفتند ،
شده‌های او را گری بسودت جسم بود در این لحظه دندانهای او از لایلهای لبهای او مانند دانه‌های
تگرگه میدرخشید . (۱)

حسین بن علی (ع) از پند بزرگان خود خصوصیات زندگی پیامبر را پرسید . و شاگرد
ممتاز مکتب او ، پیامبر را به شرح زیر توصیف نمود :

او هر موقع وارد منزل میشد ، وقت خود را به سه قسمت تقسیم مینمود ، قسمتی عبادت
میکرد ، و مقداری به ائمه و فرزندان پیشین پرداخت ، و قسمتی بخواه اختصاص میداد ، و در
این وقت اختصاصی از مردم غافل نمیداد ، و بوسیله افراد خاص با مردم تماس میگرفت ، و به
کارهای آنان رسیدگی میکرد ، از اهل قضیت بیشتر احترام میکرد ، و کسانی که قضیت و
معلویت بیشتری داشتند ، از تکریم او بیشتر برخوردار بودند ، و مکرر به یاران خود میگفت :
کسانی که نمیتواند ، نه از منده‌های خود را بن برسانند ، شما را از آنان آگاه سازید ، گفتم که
دردا بیکر و خوبی مردم گام بر میدارند ، روز نشانی از آست قدم و پا پدید خواهند بود .

اوزان خود را جز در موردی که ببرد میخورد ، بکار تقییر ، باستان‌ترین خود را
مردم را الفت میداد ، و آنها را از پراکندگی حفظ مینمود ، بزرگان هر ملتی را احترام
میکرد ، و آنان را بر همان منصب و مقام خود باقی میگذاشت ، مردم را از گناه و کار زشت بر
حفظ میداشت ، و در موقع انذار و ابلاغ ، چهره خود را دهم نمیکشید ، و خوبی خود را تقییر
نمیداد ، هر موقع دوستان خود را نمیدید ، از احوال آنها تقصد مینمود ، نیکوکاران را
تقویت و تشویق مینمود ، کردار دشمنان را تقبیح میکرد و بد میسر ، در کارهای خود

(۱) معانی الاخبار ص ۲۸ -

میان رو بود ، از یاران خود غفلت نمینمودید ، میباید در زندگی لغزش پیدا نکنند ، کارهای
خود را به افراد خیر و نیکو کار واگذار میکرد ، بیشترین فرد در دنیا بود که مسلمانان
را یاری کند ، و هر کسی بیشتر در این راه روح میبرد ، در دنیا او گرامیتر بود .

همواره بنام و یاد خدا می‌نست و بر نیخاست ، در مجالس برای خود تهنه خاصی مین
نمینمود ، و هر کجا خالی بود ، در همانجا قرار میگرفت ، به عینیتان خود احترام می -
گذاذاد ، بطوریکه هر فردی که گرامی‌ترین فرد در نزد رسول خدا (ص) است ، تا
همشمن او بلند نمیشد ، و از جای خود بر نیخاست ، افراد نیازمند را مصلحتاً و بلا تکلف میکرد ،
سایه اخلاق پسندیده خود را مانتا به بدصورتان بر سر آنها گسترش میداد .

هر کجا می‌نست ، جلسها و اولی علم و برداری ، حیاضت ، صدق و راستگویی ، پاکی
و امانت قرار میگرفت ، عظمت او مانع از آن بود که مردم زیاد بلند سخن بگویند ، اسرار مردم
در محضر او افشای نمیشد ، و یاران خود را از تکرار لغزش جلوگیری میکرد .

در محافل و مجالس مردم چهره او باز ، خوی او زیبا ، سخن او شیرین بود ، بر سر کسی
داد نمیزد ، به کسی بد نیگفت ، پاپوس و بد بچه سرالی نمیکرد ، هر گاه کاری که مورد
دقت و میل او نبود ، انجام نمیکرفت ، تقاضای نموده و آنرا نادیده حساب میکرد .

دوستان او از وی هیچگاه نومید نبودند ، مجادله نمینمود ، از سخن‌داران پرهیز داشت ،
گردکار غیر سودمند نپذیرفت ، کسی را مدمت نمیکرد ، و خیال اسرار مردم نپذیرفت ، بقدری
با عظمت بود که موقع سخن گفتن ، دیگران قهرآ سر به زهر می‌افکندند ، هر موقع سخن او به
ایان میرسید ، به سخن می‌پرداختند ، و محضر او را در هر گونه طلب متشوع بود ،
شاگردان خود را طوری تربیت کرده بود که هر گاه شروع به سخن نمیکرد ، دیگران گویی
میدادند ، مخصوصاً هر گزیه قریب و ناآشنائی با او سخن میگفت ، به سخن و گفتار او خوب
گوش میداد ، سخن کسی را قطع نمیکرد ، تا گویند سخن خود را به پایان برساند (۱)



۳- یگانه پرورش یافته مکتب بزرگ پیامبر (ص) امیر مؤمنان (ع) در باره وی چنین
میگوید : او در تواضع و فروتنی ضرب‌المثل بود ، بیان پندگان می‌نست ، در حالیکه بر وی
زمین نشسته بود غذا میخورد ، از شدت تواضع سخن بر الاغ سوار میشد ، و احیانا شخص را بر
ترک خود سوار میکرد ، از نظاره فریبنده و زنی و برک زندگی میگریخت ، حتی اجازه نمیداد
پرده‌های رنگین و سوسر بردار طاق بزنند ، زیرا میگفت طاقه بر آنها ، دل‌دا از خدا مشرف
میسازد ، و جز در مواقع خاصی لباس فاخرترین نمیکرد (۲)

(۱) معانی الاخبار ص ۳۰

(۲) نهج البلاغه خطبه ۱۵۵ جاب نموده

۴- او با کمال فصاحت و جلاوت و شیرینی خاصی سخن میگفت ، در میان جمله ها توقف میکرد ، تا طرف سخنان او را حفظ کند ، صدای ناسالی داشت ، آهنگه صدای وی بسیار مطبوع بود .

۵- حیادشرم او بسیار شدید بود ، اگر بانا ملائمتی بر خورد میکرد ، آثار آن در چهره وی آشکار میگشت .

۶- هنگامیکه بسجده میرفت ، از ترس و عشق به خدا گریه میکرد ، و اشک چشم او سواره او را تر می نمود ، گاهی از زیاده گریه از حال میرفت ، روزی هفتاد بار از خداوند طلب آمرزش میکرد .

۷- او مرد گرم و سخاوتمندی بود ، روح وسیعی داشت ، راستگو ترین مردم بود ، به تمام عیود و پیمانهای خود احترام میگذاشت ، به تمام قاعده خود این را تعلیم میکرد ، گنبدی که او برای نخستین بار میدید ، غرق غمگین میشد ، هر گاه با او معاشرت میکرد ، از سبب قلب او را دوست میداشت .

۸- بیت المال را هر روز تقسیم میکرد ، شش اکر شب فرامیرسید ، تسلیت های آنرا به نیازمندان نمی رسانید به منزل باز نمیگشت ، هنگام رسیدن زدهات و خرما ، آنوقت یکسال خود را تأمین میکرد ، و گاهی معیور میشد قوت یکسال خود را نیز میان مستمندان صرف کند ، از احیاء حق باکی نداشت ولو بشرط خود و یاران وی تمام گردد ، شجاعت روحی فوق العاده داشت ، بسیار میشد که بدون نگاهبان و حافظ میان دشمن میرفت ، و از هیچ حادثه ای نمی ترسید .



۹- با فقراء معاشرت می نمود ، با مستمندان سر یک سفره غذا می خورد و پودش اشخاص را می پذیرفت .

۱۰- غذا و لباس او بسیار ساده بود ، از آنچه بردگانه می خوردند و می پوشیدند ، مردم آنرا نمی دیدند ، صرف میکرد ، فقیر و غنی ، بزرگ و کوچک در نظر او یکسان بود ، همه را بیکو اخلاص دوستی می کرد .

۱۱- در مشکلات ، کار خود را به خدا واگذار می نمود ، وقدرت و نیروی خود را در برابر قدرت پر بایان اولاد جیز میدانست ، و از خداوند مدد و هدایت میخواست .

۱۲- لباس و کفش خود را با دست خود و صله میزد ، گوشه خنده با دست خود میدوشید ، لوازم زندگی را شصت و سه خانه خود میبرد ، و با تمام طبقات منافعه میکرد ، و تا طرف دست خود را نمیگشاید ، او دست خود را پیش نمیبرد ، دعوت افراد را به هر گونه بود می پذیرفت .

۱۳- او متد بود که به آینه نگاه کند ، و موهای سر و صورت خود را شانه زند ، و اگر آینه نبود ، به آب صاف نگاه میکرد ، و سر و وضع خود را اصلاح میکرد .

۱۴- او به کودکان و زنان سلام میکرد ، و هرگز چهارزانو نمیان مردم نمی نشست ، هرگز پای خود را در برابر مردم دراز نمی کرد ، غذا را در حال تکیه کردن نمی خورد ، هر روز مقداری پولی صرف میکرد پیش از همه دست بغداد را میزد ، و پس از همه دست میکشید تا دیگران خجالت نکشند ، از غذائی که در برابر او نهاده بودند ، دست به نشئه دیگر دراز نمی کرد ، آب را با سه تنی میل می کرد غذا را با دست راست میل می نمود ، موقع سخن گفتن ، سواره بیسی بر پشت داشت ، با یاران خود مزاح می کرد .

۱۵- هر مرد فرزندان خود را خدمت او می آوردند تا در باره آنها دعا کند ، او کودکان مردم را در وی زانو خود نمی نشاند ، و اگر کودک کی لباس او را آلوده می ساخت ، دیگران را با خدمت می نمود ، او ناراحت میشد ، و هرگز اجازه نمی داد بر سر کودک او بنشیند ، میاد کودک که ناراحت گردد .

۱۶- موقعی که سواره راه میرفت ، اجازه نمی داد کسی پیاده دنبال او بیاید ، مردم را همیشه با کتفه خود صدا میزد ، اگر کسی بر او وارد میشد ، تشنگی پای خود را به او می داد ، و اگر قبول نمی کرد ، اصرار می نمود تا قبول کند .

۱۷- به نظافت و آرایش مخصوص مردان فوق العاده مقید بود ، تا جنبه های خود را می گرفت و نفس می کرد ، از خضاب غفلت نمی نمود ، موهای زیر بغل و اطراف پا را ، از بین میبرد سواک را بر خود لازم و ضروری می شمرد ، گاهی مصالح عطرو بوی خوش او پیش از مصالح غذای او بود ، و موهای خود را بوی میزد ، و هنگام مسافرت ، آینه ، سرمه دان نظیر آن خود می برد ، این بود که شای اخلاص و اخلاق برجسته رهبر بزرگ اسلام .

در حاشیه زلزله خراسان

گفته میشود که بعضی از کشورهای غیر مسلمان پیشنهاد قبول و سرپرستی کودکان یتیم حادثه زلزله خراسان داده اند . اگر این خبر حقیقت داشته باشد و این کار عملی گردد باید با کمال تأسف و شرمندگی جامعه مسلمانان ایران ناظر میسین شدن این اطفال معصوم باشد . ما از طرف همه مسلمانان ایران جداً میخواهیم که کودکان مسلمان که در فاجعه زلزله پدر و مادر و بستگان خود را از دست داده اند ، به سرپرستان غیر مسلمان سپرده نشوند ، و ما گمان نمی کنیم هیچکس بان درخواست جواب مساعدی داده باشد .

کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی